

این مقاله پیش از فروپاشی نظام سوسیالیستی در شوروی و اروپای شرقی نوشته شده بوده است.

ترجمه ناهید اقطاعی

مجادلات ارتباطات جهانی

توسع بین‌المللی شدن ارتباطات در قرن بیستم، که با ظهور ملل جدیدی همراه بود که در پی خودمختاری و کسب هویت بودند، نقد و نظرهای گسترده‌ای را درباره نقش رسانه‌ها و دیگر سیستمهای ارتباطات در زندگی داخلی و بین‌المللی مردم سراسر جهان برانگیخت.

پیش از این نقدهایی چند ایراد شد درباب اینکه کشورهای توسعه یافته و سیاستهای اعمال شده از سوی بخشهای دولتی و خصوصی به ترتیبی اتخاذ می‌شود که اختیار تکنولوژیهای ارتباطاتی و نظام ارتباطات بین‌المللی را به دست گیرند و این به زیان کشورهای کوچکتری تمام می‌شود که نیاز به دستیابی به این سیستمها و تکنولوژیها دارند. در این جا طرفهای این مناظره و نیز مجادله‌ای را که نظم اطلاع‌رسانی نوین جهانی را دربر گرفته است دقیقاً مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بیشتر نقدهای کشورهای نوپا و در حال توسعه آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین مسأله انباشت اطلاعات، شرکت‌های کشورهای پیشرفته، بویژه شرکت‌های خصوصی در کشورهای غربی و کنترل آنان بر اطلاعات را مورد تأکید قرار داده‌اند. هرچه نظام استعماری طی سه دهه بعد از جنگ جهانی دوم بیشتر درهم می‌شکست و جنبشهای ناسیونالیست و مستقل آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین بدان دامن می‌زدند، این انتقادات فراگیرتر می‌شدند. موقعیت چنین جنبشهایی منجر به پاگرفتن کشورهای جدیدی شد که طی دوران استعمار ساختارهای دولتی، و همین‌طور آموزشی، ارتباطی و دیگر نهادهای فرهنگی آنها به گونه‌ای بنا شده بود که منافع کشورهای استعمارگر و شهروندان آنها را تأمین کند.

این کشورهای نوپا بر سر یک دوراهی قرار گرفتند: اینکه آیا نهادهای

موجود را باقی نگه دارند و آنها را متناسب با نیازهای جدید خود توسعه دهند و اصلاح کنند، یا آنکه برای پاسخ‌گویی به نیازهای دولتی، آموزشی، ارتباطی و فرهنگی خود نهادهایی کاملاً نو به وجود آورند. از آنجا که رسانه‌ها نهادهایی اجتماعی‌اند که به ایجاد و تداوم معیارهای اجتماعی کمک می‌کنند، ابزارهای مهم باسواد کردن عموم را فراهم می‌آورند، و به حفظ و توسعه فرهنگ یاری می‌رسانند، رهبران کشورهای جدید خیلی زود به اهمیت آنها پی بردند. رهبران دولتهای قدیم و رهبران کشورهای نوپا، هر دو، نقش مهم رسانه‌ها را در توسعه ملی، و نیاز به گسترش نظامهای ارتباطی یا انطباق نظامهای از پیش تأسیس یافته را با این اهداف مورد تأیید قرار دادند.

کشورهای نوپا و نظم نوین ارتباطات و اطلاع‌رسانی جهانی (NWCICO)

زمانی که دولتها برای عملی کردن اهداف اجتماعی، ملی، سیاسی، و اقتصادی خود استفاده از سیستمهای ارتباطی را آغاز کردند معلوم شد که موانع مهمی بر سر راه آنها قرار دارد. این مشکلات عبارت بودند از: نداشتن تکنولوژی ارتباطی لازم، نداشتن فرکانس‌های لازم برای برقراری ارتباطات خیری - چراکه سیستمهای ارتباطی کشورهای پیشرفته این فرکانس‌ها را از آن خود کرده‌اند - ناتوانی رسانه‌های موجود در برآوردن نیازهای جدید این کشورها، و چیره‌مندی سیستمهای ارتباطات خارجی و عوارض آن. علاوه بر اینها اختلاف نظر در مورد نقش و عملکرد رسانه‌های مختلف در جامعه، تأمین مالی موجود سیستمهای ارتباطی، و سرشت نظارت‌های دولتی و اجتماعی جهانی نیز رخ نمودند.

کاربردهای بالقوه و بالفعل جهانی از تکنولوژی الکترونیک، که مدام پیچیده تر می شود، هم مسأله کشورهای پیشرفته است و هم مسأله کشورهای در حال رشد. ارسال ارتباطات به فراسوی مرزها از طریق امواج کوتاه یا فرکانس های دیگر، و دست یافتن به نواحی وسیع با ماهواره های پخش مستقیم، برای همه آنها که دسترسی به تکنولوژی داشتند این امکان مهم را فراهم آورد تا به سخن پراکنی در داخل و خارج مشغول شوند. نتیجه چنین امکانی به دست آوردن حاکمیت ملی و دیگر امکانات بین المللی مربوط به حق پخش این نوع برنامه ها، حق نظارت بر دریافت آنها، حق ترویج افکار و حق مداخله در برنامه های دیگر بود.

این مسائل بحث های مهمی را در اتحادیه بین المللی ارتباطات راه دور (ITU) سازمان فرهنگی، علمی، و آموزشی سازمان ملل (یونسکو)، و دیگر سازمانها برانگیخت. این مسائل در مباحث مربوط به پیشنهادهایی که امروزه تحت عنوان نظم نوین ارتباطات و اطلاع رسانی جهانی (NWICO)، نظم نوین اطلاع رسانی بین المللی، یا نظم نوین اطلاع رسانی جهانی می شناسیم رده بندی شدند. مجادلات پرسر و صدای مربوط به گردآوری و توزیع خبر نیز در این زمره بودند.

انتقادات بنیادی بر نظم فعلی

نخستین انتقادی که در اتحادیه بین المللی ارتباطات راه دور به اطلاع رسانی مطبوعاتی شد این بود که بنگاه های خبری آسوشیتد پرس، یونایتد پرس، اینترنشنال، رویتر و فرانس پرس اطلاع رسانی بین المللی را تقریباً در انحصار خود درآورده اند. در دسترس نبودن دیگر سرویس های خبری یا ناتوانی آنها در تهیه اطلاعات کافی درباره حوادث جهانی رسانه های سراسر جهان را در دهه های ۱۹۵۰، ۱۹۶۰، ۱۹۷۰ ناگزیر ساخت تا مشترک خدمات بنگاه های خبری عمده شوند. در زمینه تلویزیون نیز وضع مشابهی وجود داشت و در آن دو تهیه کننده غربی عمده، ویدئوی خبری در سطح جهان توزیع می کردند. این دو عبارت بودند ویزیتوز، تحت تملک بی بی سی و رویتر و UPITN که متعلق به شبکه تلویزیون خبری ایندپندنت و یونایتد پرس اینترنشنال بوده و اکثر ویدئوهای خبری را برای پخش در اخبار شبکه های تلویزیونی در سراسر جهان تهیه می کردند.

رسانه های کشورهای در حال توسعه جهان و کشورهای تازه استقلال یافته، شدیداً به این وضع اعتراض کرده اند، و حرفشان این است که قرار داشتن اخبار تحت پوشش سرویس های عمده خبری باعث می شود که ارزشهای نژادپرستی غربی در محتوا و نحوه ارائه اخبار تأثیر بگذارد. این تأثیر گذاریها عمدتاً شامل ارزشهای سیاسی، اقتصادی، مذهبی (یهودی - مسیحی) و دیگر ارزشهای اجتماعی است که جهانی نیستند. منتقدان استدلال کردند که به این ترتیب، اخبار این سرویسها خود به نوعی امپریالیسم فرهنگی تبدیل شده است. همچنین دولتها و رسانه های کشورهای در حال توسعه می گویند که نژاد پرستی غربی روند خبری و اطلاعاتی ناعادلانه ای به وجود آورده است، چون در مورد حوادث کشورهای پیشرفته اخبار زیادی ارائه می دهد اما در مورد کشورهای در حال توسعه به ارائه اخبار اندکی اکتفا می کند.

انتقاد دیگری در همین زمینه حاکی از آن است که چون اخبار ارسالی از کشورهای در حال توسعه بیشتر روی مسائل غیرعادی، فجایع، فساد یا

تضاد و منازعه تأکید دارد و همیشه تصویری منفی از این کشورها ارائه می دهد. منتقدان اظهار می دارند که درباره پیشرفت در زمینه توسعه ملی اخبار ناچیزی پخش می شود، و از بسیاری از کشورها هرگز نامی برده نمی شود. ناظران کشورهای در حال توسعه استدلال می کنند که دیدگاه غرب به اخبار و تأکید آنها بر گزارش وقایع کم اهمیت، تصویر و ذهنیتی از مردم و شهروندان ایجاد می کند که بیانگر واقعیتها نیست و به تلاشهایی که در جهت بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم صورت می پذیرد لطمه می زند. این منتقدان بویژه از این مسأله انتقاد می کنند که کشورهای در حال توسعه برای کسب خبر در مورد خود و همسایگانشان به سرویسهای عمده خبری وابسته اند.

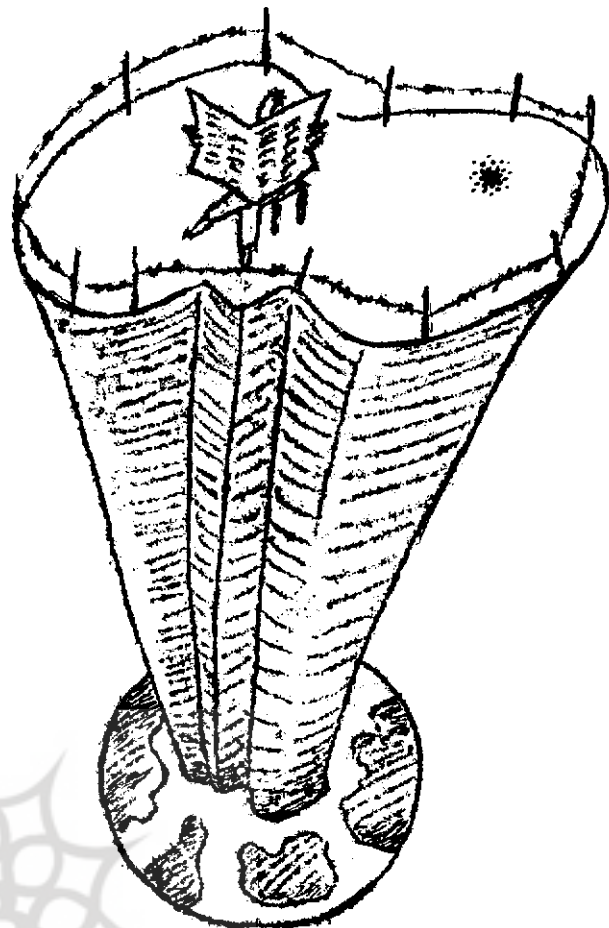
در عین حال، رسانه های خبری و دیگر منابع کشورهای غربی هم انتقاد خود را به ارتباطات بین المللی بازگو کردند. یکی از ناراضیترین عمده آنها این بود که دولت با ایجاد محدودیتها و با تلاش مستقیم برای سانسور گزارشهای خبری، راه خبرنگاران خارجی را برای تحت پوشش گرفتن کشورهای در حال توسعه و کشورهای کمونیستی پیشرفته مسدود کرده است. حمله به خبرنگاران، دستگیری، بازداشت، ندادن روایت و ورود به آنها، و اخراج و اذیت و آزار آنها ابزار متعارفی بوده و هست که دولتهای جهان برای جلوگیری از انتشار اخباری که به نظر می رسد با منافع آنها در تعارض باشد یا برای محدود سازی آن گونه اخبار اعمال کرده اند.

اگر فزاینده رسانه های جهان پیشرفته به سیستمهای ارتباطی مجهز به تکنولوژی پیشرفته، از قبیل اتصالات ماهواره ای، تلفنهای شبکه ای، و سیستمهای کامپیوتری که مستلزم خطوط انتقال داده ها و اطلاعات است، بین رسانه های خارجی و دولتهای جهان تنشهایی ایجاد کرده است. از آنجا که هر دولتی درخصوص استفاده از طیف الکترومغناطیس و تکنولوژی الکترونیکی خط مشی و قوانین خاصی دارد، به هنگام سفر خبرنگاران به دور دنیا، بر سر چگونگی کاربرد و کنترل این تجهیزات اختلافاتی به وجود می آید. رسانه های غربی از آنجا که در مقایسه با رسانه های سایر ممالک فرصت و امکان بیشتری برای استفاده از این تکنولوژیها داشته اند، دولتهای را که در زمینه استفاده از این تجهیزات محدودیت ایجاد کرده اند، به باد انتقاد گرفته اند.

اقداماتی برای مطرح ساختن انتقادات

به منظور حل بعضی از مشکلات و مسائلی که باعث اختلال در ارتباطات در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه شده است، تلاشهای متعددی در سطح ملی و بین المللی، چه به طور عمومی یا خصوصی، صورت گرفته است.

علاقه فزاینده به استفاده از سرویسها و مبادلات خبری غیر غربی نتیجه انتقاداتی بوده است که در مورد وابستگی به سازمانهای خبری غربی صورت گرفت. آژانس خبری غیرمتعهد (NANA) و اینترپرس سرویس (IPS) دو سرویس خبری هستند که مخصوصاً به منظور رفع نارساییهای سیستمهای خبری کشورهای در حال توسعه ایجاد شدند. (NANA) به منظور ایجاد و ارتباط بین آژانسهای خبری ملی کشورهای غیرمتعهد با مراکز مشترک خبری که اخبار را با دیدگاهها و ارزشهای غیر غربی تهیه



می‌کند تأسیس شد. آژانس مزبور را تانیوگ، آژانس خبری ملی یوگسلاوی در سال ۱۹۷۶ برای کشورهای غیرمتحد راه‌اندازی کرد. کارکنان آن بعد از جمع‌آوری مطالب از آژانسهای خبری ملی مشترک، آنها را ترجمه می‌کنند و سپس مجموعه اخبار جهان را به آژانسهای ملی برمی‌گردانند. اینترپرس سرویس (IPS) را رسانه‌های آمریکای لاتین که به اطلاعاتی در مورد برنامه‌ها و سیاستهای دولتی در سطح جهان، بویژه مسائل مربوط به توسعه، علاقه‌مند بودند در سال ۱۹۶۴ دایر کردند. تلاشهای مشابهی برای ترویج مبادلات تازه بین سیستمهای تلویزیونی صورت پذیرفته است که شامل اجرای برنامه تبادل خبری از طریق سازمان رادیو و تلویزیون کشورهای غیرمتحد است.

تعداد قابل توجهی از آژانسهای خبری منطقه‌ای شبیه به NANA و IPS ایجاد شده است، که از جمله می‌توان آژانس خبری پان امریکن (PANA) آژانس خبری منطقه کارائیب (CANA) و شبکه خبری ایشین پاسیفیک (ANN) را نام برد. سازمانهای بین‌المللی رادیو و تلویزیون منطقه‌ای، از قبیل اتحادیه رادیو و تلویزیونهای کشورهای عربی (ASBU)، اتحادیه رادیو تلویزیونهای آسیایی (ABU)، اتحادیه رادیو تلویزیونهای اروپایی (EBU)، سازمان بین‌المللی صدا و سیمای اروپای شرقی (OIRT) و اتحادیه سازمانهای ملی صدا و سیمای آفریقا (URTNA)، تلاشهای مشترکی صورت داده‌اند. تعدادی از آژانسهای خبری موجود در جهان پیشرفته و در حال توسعه نیز از توجه فزاینده به رسانه‌های غیر غربی بهره گرفته‌اند، که از جمله می‌توان تاس، خبرگزاری اتحاد شوروی، شین هوا، آژانس خبری چین، و آژانس خبری خاورمیانه (MENA) که در مصر مستقر است، را نام

برد. آژانسهای غربی متعددی که قبلاً چندان مورد توجه نبوده‌اند نیز از انتقادی که در مورد کنترل اخبار توسط چهار آژانس به اصطلاح بزرگ صورت گرفت سود برده‌اند. خبرگزاری اسپانیا (EFE)، یکی از تأمین کنندگان عمده خبر در کشورهای آمریکای لاتین است، و خبرگزاری آلمان غربی را نیز کشورهای جهان بخوبی پذیرفته‌اند. اگرچه رشد و تکامل انواع جدید خبرگزاریها و مبادلات غربی، منابع خبری جایگزین را فراهم آورده است که براساس و حاوی ارزشها و تعاریف خبری متفاوت است، و در نتیجه اطلاعات را در سطح جهان افزایش می‌دهد و دگرگون می‌سازد، ولی این سرویسهای جدید تمایل داشته‌اند که همچون آژانسهای خبری سنتی، مسائلی را تحت پوشش قرار دهند که بیشتر روی وقایع جدید خبری و مطالب سیاسی تأکید دارند. علاوه بر این، انتقادات قابل توجه رسانه‌های عمده خبری جهان پیشرفته همچنان با سر و صدا بیان می‌شود و معیارها و نوع مطالب تحت پوشش تغییر چندانی نکرده است. در نتیجه، ارتباطات بین‌المللی برای تأثیر بر جریان اطلاعات، همچنان به تشدید منازعه و دست زدن به اقداماتی ادامه می‌دهد.

شرکت کنندگان عمده در مناظره مربوط به ارتباطات

تعدادی از سازمانهای بین‌المللی و انجمنهای روزنامه‌نگاری نقشهای عمده‌ای را در مناظرات درباره روزنامه‌نگاری و ارتباطات بین‌المللی ایفا کرده و می‌کنند. سازمانهای وابسته به خبرنگاران و ناشران و گویندگان رادیو و تلویزیون شدیداً درگیر این مسأله بوده‌اند، و انجمنهایی که معرف ایدئولوژیهای مختلفی بوده‌اند نیز در این زمینه فعالیت داشته‌اند. اگرچه هرگروه اهداف خاص خود را دنبال می‌کرده است، ولی شرکت آنان در مسائل ارتباطات بین‌المللی بیشتر حول تلاشهایی دور زده است که یونسکو به جهت رویارویی با انتقادات و مسائل مربوط به کشورهای در حال توسعه در دو دهه قبل صورت داده است.

شرکت کنندگان عمده در مناظرات مربوط به ارتباطات بین‌المللی، انجمن مطبوعاتی اینترامریکن، فدراسیون بین‌المللی خبرنگاران، فدراسیون بین‌المللی ناشران روزنامه‌ها، سازمان بین‌المللی خبرنگاران، انستیتو بین‌المللی مطبوعات، ITU، جنبش کشورهای غیرمتحد، یونسکو، و کمیته جهانی آزادی مطبوعات را شامل می‌شوند.

انجمن مطبوعاتی اینترامریکن (IAPA):

IAPA در نتیجه ملاقاتهایی که در اواسط دهه ۱۹۲۰ بین ناشران نیمکره غربی انجام شد شکل گرفت، و فلسفه‌های انگلو- امریکن مبنی بر نقش و آزادی مطبوعات را ترویج داد و این سازمان را در منازعات عمده‌ای با بسیاری از دول آمریکای لاتین درگیر کرد. افزایش مخالفتهای ناسیونالیستی و استقلال طلبانه و کمونیستی در آمریکای لاتین طی دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰، به مجادلات گسترده و نوعی مبارزه قدرت در داخل سازمان منجر شد در اواسط دهه ۱۹۶۰ JAPA کاملاً در دست امریکا و ناشران امریکایی در امریکای لاتین و منطقه کارائیب قرار گرفت.

امروزه عملکرد اصلی سازمان عبارت است از ترویج آزادی مطبوعات، حمایت از ناشران و خبرنگارانی که دائماً مورد مزاحمت دولتهای امریکای لاتین قرار می‌گیرند و نیز گرفتن بورس تحصیلی برای آموزش دانشجویان رشته روزنامه‌نگاری. دفتر مرکزی سازمان در میامی فلوریدا قرار دارد.

فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران (IFJ): این اتحادیه بین‌المللی که در بروکسل، پایتخت بلژیک، واقع است معرف بیش از ۲۴ اتحادیه ملی روزنامه‌نگاری است که عمدتاً در کشورهای غربی واقعند. این سازمان در پیشبرد مذاکرات جمعی و منافع شغلی روزنامه‌نگاران در سطح جهان نقش فعالی ایفا کرده است. سازمان مزبور همچنین به منظور حمایت از روزنامه‌نگارانی که در حین انجام وظیفه در سطح بین‌المللی عمداً مورد حمله یا آزار و اذیت قرار می‌گیرند اقداماتی انجام می‌دهد. IFJ در سال ۱۹۶۲ تشکیل گردید و آن هنگامی بود که اعضای آن، سازمان بین‌المللی روزنامه‌نگاران را برای اینکه اتحادیه‌های متحد با احزاب کمونیست در آن رخنه کرده بودند، ترک گفتند.

فدراسیون بین‌المللی ناشران روزنامه‌ها (FIEJ): این سازمان نماینده منافع بین‌المللی انجمنهای ناشران روزنامه‌ها در بیش از ۲۴ کشور عمدتاً غربی است. این فدراسیون که در سال ۱۹۴۸ تأسیس شد منافع ناشران محافظه کاری را که در بخش بازرگانی فعالیت دارند نیز نوعی فلسفه مطبوعاتی لیبرال غربی را حمایت می‌کند. رونق بخشیدن به بازار فروش بین‌المللی روزنامه‌های تجاری از علایق عمده این سازمان است. دفتر مرکزی این فدراسیون در پاریس قرار دارد.

سازمان بین‌المللی روزنامه‌نگاران (IOJ): این سازمان بین‌المللی که نمایندگی در حدود ۲۴ اتحادیه روزنامه‌نگاران ملی را دارد، در سال ۱۹۴۶ تأسیس و جایگزین انجمنی مشابهی به نام فدراسیون روزنامه‌نگاران، که قبل از جنگ جهانی دوم وجود داشت، شد. انجمن مزبور در اصل نماینده اتحادیه روزنامه‌نگاران شرقی و غربی، هردو، است. اعضای غربی در سال ۱۹۶۲، یعنی در اوج جنگ سرد که گروه‌های شرقی کنترل سازمان را به دست گرفتند، از آن جدا شدند و فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران را تشکیل دادند.

امروزه سازمان مزبور عمدتاً معرف اتحادیه‌های ملی اروپای شرقی است اما برخی از اتحادیه‌های کشورهای در حال توسعه که با بلوک شرق روابط محکمی دارند نیز در آن عضویت دارند. انجمن مزبور به منظور بهبود توانایی‌های و فعالیتهای رسانه‌ها در کشورهای در حال توسعه، برنامه‌های آموزشی و توسعه ارتباطات را هدایت می‌کند.

انستیتوی بین‌المللی مطبوعات (IPI): در ۱۹۵۰ به منظور پیشبرد اهداف لیبرال غربی در مورد آزادی مطبوعات و از برای کمک به کشورهای در حال توسعه در امر روزنامه‌نگاری تأسیس شد. دفتر مرکزی این انستیتو در لندن قرار دارد.

IPI یکی از فعالترین انجمنها در زمینه توسعه بین‌المللی روزنامه‌نگاری است که در دریافت کمک مالی از سوی شرکتهای رسانه‌ای خصوصی برای انجام دادن فعالیتهایش بسیار موفق بوده است. فعالیتهای این انستیتو در ابتدا فرستادن هیئتهای مشاوره سیاری بود که با برگزاری سمینارهایی کارکنان روزنامه‌های آسیایی را در کشور خودشان آموزش می‌دادند. بعدها این برنامه گسترش یافت و به صورت اعزام گروهی از متخصصان درآمد که به منظور تدریس تکنیکهای روزنامه‌نگاری و فنون مدیریتی که روزنامه‌های

اروپایی و امریکایی شمالی به کار می‌بردند، به نقاط مختلف سفر می‌کردند. انستیتوی مزبور به قصد تبدیل روزنامه‌های سیاسی به بازرگانی نیز اقداماتی کرد.

IFI در افریقا بسیار فعال شد و به تأسیس مراکز آموزش روزنامه‌نگاری در ناپروبی و لاگوس کمک کرد و افریقاییها را یاری داد تا پس از رهایی از یوغ استعمار، کنترل رسانه‌های موجود را به دست بگیرند و فعالیتهای روزنامه‌نگاری و رادیو تلویزیونی را آغاز کنند. بعدها، IPI آموزش روزنامه‌نگاری تخصصی در زمینه‌های اقتصادی، بهداشتی، و کشاورزی را آغاز کرد.

اتحادیه بین‌المللی ارتباطات دوربرد (ITU): ITU با ادغام سازمانهای بین‌دولتی مربوط به تلفن و تلگراف و ارتباطات رادیویی در سال ۱۹۳۲ تأسیس شد و در سال ۱۹۴۷ به صورت یک آژانس ویژه سازمان ملل درآمد. هدف این اتحادیه ایجاد هماهنگی در تعیین میزان فرکانس الکترومغناطیس بین کشورها، کاهش امواج پارازیتی، اصلاح وسایل و تجهیزات ارتباطات دوربرد، همکاری، و پیشبرد توسعه جهانی ارتباطات دوربرد است.

کار اصلی ITU از طریق کنفرانسهای رادیویی اداری جهانی صورت می‌پذیرد. این کنفرانسها استانداردها و میزان فرکانس مورد نیاز برای ارتباطات جهانی ماهواره‌ای، رادیو و تلویزیونی، متحرک، دریایی و هوایی را تعیین می‌کند.

کارهای مهم دیگر اتحادیه مزبور از طریق دفتر بین‌المللی ثبت فرکانس (IFRB) انجام می‌گیرد که طیفهای مورد استفاده کشورهای جهان را ثبت می‌کند و مصرف کنندگان را از تداخل در کار یکدیگر بازمی‌دارد. علاوه بر این، ITU به منظور بررسی و ارزیابی تکنولوژی وسایل بین‌المللی مربوط به تلویزیون، رادیو، تلفن، تلگراف و ماهواره کمیته‌های مشورتی دایر می‌کند و در این مورد نظریاتی ارائه می‌دهد.

جنبش کشورهای غیرمتعهد (MNAC): سازمانی است متشکل از کشورهای نوپا و در حال توسعه که برای خودگردانی و ایجاد یک بلوک اقتصادی و سیاسی از کشورهای غیرعضو بلوک شرق و غرب تشکیل شد. اعضای جنبش مزبور از طریق برگزاری کنفرانسهای بین‌المللی و دست زدن به اقداماتی در زمینه توسعه ارتباطات باعث ایجاد چیزی شدند که امروزه به نظم نوین ارتباطات و اطلاع رسانی جهانی معروف است.

طی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، جنبش عدم تعهد و اعضا و طرفداران آن در وادار ساختن سازمانهای بین‌المللی دیگر، بویژه یونسکو، به پرداختن به مسائل ارتباطی نقش فعالی ایفا کردند. تأسیس آژانس خبری غیرمتعهد (NANA) و ایجاد برنامه‌های اصلاحی و آموزش ارتباطات در کشورهای عضو از فعالیتهای دیگر این اتحادیه است.

یونسکو: سازمان آموزشی، علمی، و فرهنگی ملل متحد با پشتیبانی کشورهای غربی، به رهبری امریکا، و به منظور پیشبرد جریان اطلاعات و توسعه ارتباطات و تسهیلات و تبادل آموزش در سال ۱۹۴۶ تأسیس شد. ایالات متحد به عنوان مؤسس و حامی اصلی آن، در پیشبرد دستورالعمل سازمان در این زمینه‌ها براساس فلسفه لیبرال غربی نقش مؤثری داشت.

یونسکو، پس از تلاش برای کمک به توسعه مجدد تسهیلات ارتباطی و فرهنگی و آموزشی که در جنگ جهانی دوم از بین رفته بود، نیاز سایر کشورهای جهان، بویژه کشورهای جدیدی که بعد از رهایی از استعمار تشکیل شده بودند را مورد توجه قرار داد، و در توسعه تسهیلات اساسی ارتباطی و سیستم ارتباطات ماهواره‌ای بین‌المللی نیز کمک گسترده‌ای کرد. کشورهای برخوردار از کمک یونسکو یا آنهایی که نیازمند کمک آن بودند سرعت به هم پیوستند و در امور آن فعال شدند. این آژانس از آنجا که جدا از تشکیلات اصلی سازمان ملل فعالیت می‌کرد، با به کارگیری سیستم «یک کشور - یک رأی»، به کشورهایی که از یوغ استعمار رهایی یافته بودند قدرتی معادل کشورهای توسعه یافته و ابرقدرتها داد.

این سازمان هیچ نوع تشکیلات متوازن کننده‌ای مثل شورای امنیت که در آن کشورهای بزرگ امور را در اختیار گرفته‌اند و حق وتو دارند، ندارد. با نزدیک شدن به ربع آخر قرن بیستم، کشورهای در حال توسعه به یکدیگر پیوستند تا از یونسکو به عنوان کامل انتشار عقایدشان و نماینده‌ای برای بیان مسائل مورد نظرشان استفاده کنند و موازنه قدرت رأی دهی را به زبان کشورهای پیشرفته برهم زنند. بسیاری از اختلافات و تضادهایی که در سالهای اخیر در یونسکو بروز کرده است ناشی از رشد فزاینده کشورهای غیرمتعهدهی است که برای پیشبرد منافع ملی خود متحد شدند و خواستند نشان دهند که نیازی به انطباق و همانندی با کشورهای پیشرفته بلوکهای شرق یا غرب ندارند. دفتر مرکزی یونسکو در پاریس قرار دارد.

این سازمان در سال ۱۹۷۸ برنامه‌ای بین‌المللی برای توسعه ارتباطات (IPDC) ایجاد کرد که هدف از آن تلاش نیمه مستقلی بود در جهت کمک به

کشورها برای مطالعه، برنامه‌ریزی، و نیز بهبود بخشیدن به نیازهای ارتباطات داخلی و بین‌المللی، هماهنگ کردن کمکها برای توسعه سیستمها در میان کشورها، و فراهم آوردن کمک مالی.

کمیته جهانی آزادی مطبوعات (WPFC): این کمیته به منظور هماهنگ کردن فعالیتهای تقریباً ۳۶ گروه از روزنامه نگاران و ناشران غربی و شرکت‌های رسانه‌ای مرتبط با NWICO در سال ۱۹۷۶ شکل گرفت. سازمان دهندگان اصلی آن انستیتوی بین‌المللی مطبوعات و انجمن مطبوعات ایترامریکن بودند.

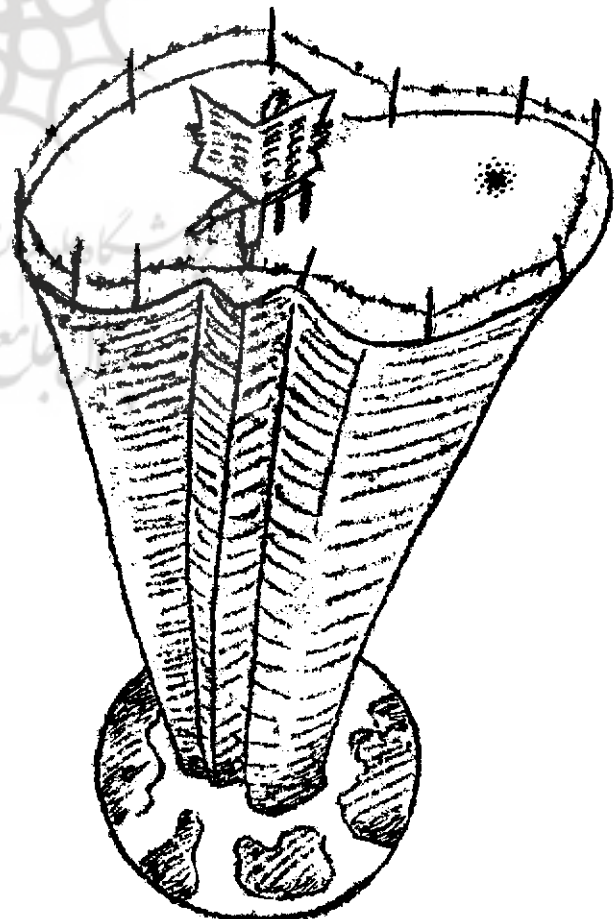
این کمیته اعلام کرد که قصد دارد از طریق مخالفت با مداخله دولت، اعمال سانسور، حمله به خبرنگاران و نیز مقابله با تلاش مقامات بین‌المللی که آزادی مطبوعات را محدود می‌سازند، «نگهبان رسانه‌های آزاد دنیا بشود».

کمیته مزبور همچنین اعتبار بسیاری از دعاوی و مشکلات مطرح شده از طرف کشورهای در حال توسعه را به رسمیت شناخت و به منظور کمک کردن به رسانه‌های کشورهای در حال توسعه، برنامه‌هایی از قبیل آموزش ضمن خدمت، برگزاری سمینارها، و اعزام هیئتهای مشاوره بازدید کننده تشکیل داد. علاوه بر این، به برنامه‌های آموزش خبرنگاری نیز کمک کرد. دفتر مرکزی این کمیته در نیویورک پرسترو، رستن و برجنیا، قرار دارد.

مجادله اصلی NWICO

طی دو دهه گذشته، هیچ مسئله‌ای در مورد ارتباطات بین‌المللی به اندازه تلاش اعضای جنبش عدم تعهد و یونسکو برای پیشبرد و ترویج نظم نوین اطلاع رسانی و ارتباطات جهانی جنجال برانگیز نبوده است. NWICO طرح یکپارچه و کاملاً تعریف شده‌ای برای ایجاد تحول در ارتباطات نیست، بلکه بیشتر یک رویکرد فلسفی در نقش ارتباطات است که در مباحث و اسناد بین‌المللی مختلفی مطرح شده است، و براساس این اندیشه پایه‌گذاری شده است که تا زمانی که تواناییهای ارتباطی به طور اساسی اصلاح نشود و پیشرفت نکند، کشورهایی که پیشرفت کمتری داشته‌اند نمی‌توانند در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی پیشرفتهای عمده‌ای بکنند که بتوانند سطح زندگی شهروندانشان را بهبود بخشند. طرفداران این عقیده اظهار می‌دارند که پیشرفت موفقیت آمیز بستگی به پیشرفت در زمینه‌های ارتباطات بین‌المللی و داخلی دارد. طرفداران NWICO استدلال می‌کنند که وابستگی متقابل اقتصادی کشورهایی که طی نیمه دوم قرن بیستم به رسمیت شناخته شد، صرفاً به نفع کشورهایی است که توانایی برقراری ارتباطات بین‌المللی قوی، از جمله ارتباط تلفنی، انتقال اطلاعات، و ارتباط ماهواره‌ای را دارند. توانایی مردم کشورها برای جمع‌آوری و انتقال سریع انواع مختلف اطلاعات، از جمله اخبار، در توانایی آنها برای شرکت در امور تجاری و سیاسی و فرهنگی جهان تأثیر می‌گذارد.

رهبران کشورهای غیرمتعهد بررسی نیازمندیها و اهداف خود را آغاز کرده‌اند. به علت سیاستهای کشورهای پیشرفته و تحت مالکیت خصوصی قرار داشتن بخش اعظم تکنولوژی ارتباطی در سطح جهان، رهبران مزبور سریباً لزوم دستیابی یا دسترسی یکسان به تکنولوژی ارتباط بین‌المللی را احساس کردند. مقامات مسئول امور مربوط به توسعه نیاز به گسترش



تواناییهای ارتباط داخلی، از تلفن گرفته تا سیستمهای رادیو و تلویزیونی، را احساس کردند. مذاکرات کشورهای جنبش عدم تعهد (MNAC) و نیز مذاکرات بین‌المللی بزودی روی مسائل مربوط به پخش رادیو و تلویزیونی و مطبوعاتی متمرکز گردید که قرار بود عمدتاً نه در زمینه سرگرمی بلکه در زمینه‌های آموزشی و اطلاعاتی به کار گرفته شوند. به علاوه، آنها استفاده از این رسانه در جهت ایجاد وحدت ملی و احساسی از همبستگی، را پیش‌بینی کردند.

NWICO اساساً معتقد است که از لحاظ مقدرات ارتباط داخلی، هر کشوری باید متکی به خود و از وابستگی به دیگر کشورها رها شوند و لذا نباید تحت انقیاد باقی‌گذارده شود. NWICO همچنین عقیده دارد که هر کشوری حق دارد تصمیم بگیرد که سیستم ارتباطی درون مرزی‌اش چه باشد و چه مسائلی و تا چه حدی باید مخابره شود. مفهوم تلویحی این آرمان، این نظریه است که در عملکرد ارتباطات در کشورها اختلافاتی وجود دارد و این اختلافات در کشورهای کمتر توسعه یافته‌ای بارزتر است که آگاهانه خواسته‌اند از رسانه‌ها به عنوان ابزاری در جهت پیشبرد رشد اقتصاد داخلی، توسعه و حفظ فرهنگ ملی، و ایجاد یک هویت ملی، یکپارچه در بین گروههای مختلفی استفاده کنند که غالباً به لحاظ قومی، قبیله‌ای، و مذهبی با یکدیگر خصومت دارند.

اقدامات کشورهای عضو جنبش عدم تعهد به منظور جذب یونسکو در تلاشی که برای پیشبرد و دستیابی به یک چنین تحولاتی در ارتباطات بین‌المللی انجام می‌گرفت، در این سازمان جهانی به یک مبارزه بین‌المللی منجر شد که بسیاری از کشورهای غربی را رویاروی کشورهای عضو جنبش عدم تعهد و بلوک شرق قرار داده است. مفهوم استفاده از رسانه‌ها و سیستمهای ارتباطی، به این روال، با دیدگاه لیبرال غربی در مورد آزادی مطبوعات در تضاد است و کاهش نفوذ دولت در ارتباطات و کنترل ارتباطی را می‌طلبد. در نتیجه، کشورهای غربی، بویژه ایالات متحد و کشورهای دیگر با سیستمهای ارتباطی غیر دولتی و کاملاً تجاری، در مقابل بعضی از عقاید و پیشرفتهای NWICO واکنش منفی نشان دادند.

طی سالهای آخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ بیشتر مجادله‌ها در لفاظیهای جنگ سرد بیان شد و اتهاماتی را مطرح کرد که مثلاً NWICO از شوروی الهام گرفته و مورد حمایت آن کشور است. گفته می‌شود که اتحاد شوروی و متحدانش به اتفاق و با گرمی از عقاید پشت پرده NWICO حمایت و به کشورهای عضو NNAC کمک می‌کنند تا آن را در یونسکو به صورت مسأله‌ای عمده و مهم جلوه دهند. مع هذا واضح است که جنبش عدم تعهد محرک یک چنین عقیده‌ای بود. کمکهایی که از سوی اتحاد شوروی، کشورهای بلوک شرق، چین، و کشورهای کمونیستی دیگر می‌رسید به این علت بود که فلسفه کمونیستی استفاده از ارتباطات را به عنوان عاملی در جهت تحولات اجتماعی و پیشرفت ایده‌نولوژیکی تأیید می‌کرد. این کشورها تمایلی نیز نداشتند که با فلسفه خودمختاری NWICO، که آنها به همراه امریکا از آن حمایت، ولی کمتر از آن پیروی می‌کردند، مخالفت کنند.

طرحهای NWICO در دهه ۱۹۶۰، همزمان با شکل‌گیری کشورهای بی‌طرفی که از یوغ استعمار رهایی یافته بودند، تدریجاً به کار گرفته شدند. در اوایل

دهه ۱۹۷۰ آمادئو مختارامبو مدیر کل یونسکو، از سنگال، گزارش داد که این سازمان حمایت خود را از تلاشهای MNAC در جهت تنظیم سیاستهای ارتباطی ملی آغاز کرده است. زمانی که کنفرانس عمومی یونسکو در سال ۱۹۷۲ برگزار شد، اتحاد شوروی «پیش‌نویس بیانیه استفاده از رسانه‌های گروهی» را ارائه داد که به موجب آن استفاده از رسانه‌ها به عنوان ابزاری در دست یک کشور و نه به صورت یک نهاد مستقل، مورد حمایت قرار می‌گرفت. در سال ۱۹۷۴، بحث درباره این مسأله شدیداً شکل سیاسی به خود گرفت. وقتی که هیئت نمایندگی یونسکو رأی داد که در مقدمه اعلامیه، عبارت صهیونیسم مساوی با نژادپرستی قرار گیرد، امریکا و سی و شش کشور دیگر که اکثراً غربی بودند این بحث را تحریم کردند.

اقدام به اجرای مفاد این اعلامیه چندین سال به تأخیر افتاد، طی این مدت رهبری یونسکو اختلاف بین غرب و کشورهای در حال توسعه و بلوک شرق را مورد بررسی و میانجی‌گری قرار داد. حاصل این جریان تأسیس کمیسیون بین‌المللی یونسکو برای بررسی مسائل ارتباطی بود که به «کمیسیون مک‌براید» معروف شده است، چون اداره آن به عهده سیاستمدار معروف ایرلندی شون مک‌براید بود.

اعلامیه ۱۹۷۸ یونسکو

در حالی که کار کمیسیون پیش می‌رفت، کنفرانس عمومی یونسکو در سال ۱۹۷۸ با «اعلامیه اصول اساسی مربوط همکاری رسانه‌های عمومی جهت تحکیم صلح و درک بین‌المللی، پیشبرد مسأله حقوق بشر، مخالفت با نژاد پرستی و آپارتیید و تحریک جنگ» موافقت کرد. اعلامیه مزبور از دید کشورهای غربی، شرقی و غیرمتعهد یک پیروزی محسوب شد. کشورهای غربی خرسند بودند که در این اعلامیه موارد قبلی مبنی بر اینکه مطبوعات باید توسط حکومت کنترل شوند، حذف گردیده است. کشورهای شرقی و کمونیستی از این جهت احساس آرامش می‌کردند که در این اعلامیه استفاده از روزنامه‌نگاری برای پیشبرد برنامه‌های سیاسی مورد انتقاد قرار نمی‌گرفت. کشورهای غیرمتعهد هم از این اعلامیه حمایت کردند چرا که شامل تعهداتی مبنی بر کمکهای تکنیکی در زمینه توسعه ارتباطات بود.

اخبار مربوط به تلاشهای یونسکو توجه آژانسهای خبری و سازمانهای ناشران غربی، بویژه انستیتوی بین‌المللی مطبوعات و فدراسیون بین‌المللی ناشران روزنامه، را به خود جلب کرد چه سازمانهای مزبور رفته رفته به سازماندهی پرداخته بودند و دولتهایشان را تحت فشار قرار می‌دادند تا نگذارند که این دولتها موضع نیرومندی در مقابل بعضی از نتایج حاصل از بحث در مورد سیاست و خط مشی ارتباطات بین‌المللی اتخاذ نمایند. گروههای روزنامه‌نگاران غربی اظهار می‌داشتند که فعالیتهای یونسکو صرفاً ابزاری برای توجیه کنترل رسانه‌ها از طرف دولت و مشروعیت بخشیدن به آن است و اینکه این سازمان بیشترین توجه خود را به قدرت و استفاده از مطبوعات معطوف داشته است و به آزادی مطبوعات توجه کافی ندارد. سرکرده این انتقادات فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران بود. به منظور کنترل مؤثرتر پیشرفتهای سازماندهی مطلوبتر مخالفان، ناشران، گویندگان رادیو و تلویزیون، و سازمانهای روزنامه‌نگاران به یکدیگر پیوستند تا کمیته جهانی آزادی مطبوعات را تشکیل دهند.